

پیش درآمد

کارکردها و پیامدهای هدفمندی سوره ها و تأثیر شگرف این بحث بر ترجمه و تفسیر قرآن و ارتباط ناگسستگی آن با مباحث علوم قرآن موجب شده است تا رویکردی عمومی به این مبحث نوین قرآنی بشود.

استاد «محمد محمد مدنی» رییس دانشکده الهیات الازهر تلاش برای کشف اهداف و مقاصد سوره ها را بهترین راه برای فهم معانی آیات می داند او معتقد است که:

« هر سوره‌ای از سور قرآن کریم دارای جان و روحی است که در کالبد آیات آن سوره جریان دارد و این روح بر مبانی، و احکام و اسلوب آن سوره دارای سلطه و اشراف است. معانی و مفاهیم قرآن کریم باید از این منظر و روش نگریسته شود. این روش برای مطالعه و بررسی قرآن کریم سودمندتر از آن است که آیات آن یکی پس از دیگری مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. اگر کسی جمله ها و آیات و یا کلمات و یا احیاناً حروف آنها را نیز مورد مطالعه و بررسی قرار دهد تا از رهگذر چنین مطالعه ای سراسر آن را اجمالاً و یا تفصیلاً بررسی کند، چنین مطالعه ای پریشان و از هم گسیخته نمی تواند به او در جهت بازیافتن شکوه و عظمت و زیبایی چهره و سیمای سوره مدد رساند.»

(مدنی، 6-5)

از سوی دیگر بسیاری از دانشمندان مسلمان بر این باورند که محتوای قرآن کریم عبارت از مطالبی است که با سبکی پریشان و گسیخته و بیگانه از یکدیگر فراهم آمده است و هر چند آیه از آیات یک سوره درباره موضوع مستقل و جداگانه ای است که هیچ ارتباطی با موضوع آیات مجاور ندارد. زیرا هر دسته از آیات به تناسب خاصی نازل شده است و تنها بین آیاتی که در یک مرحله نازل شده اند می توان به دنبال تناسب و ارتباط بود آنها براین باورند که تلاش برای یافتن غرض اصلی هر سوره، تلاش ناکامی است که از یکسان پنداری و مقایسه نا بجای قرآن با کتب بشری پدید آمده است و اصولاً سبک قرآن و رمز اعجاز آن در همین پراکنده گوئی و از شاخه ای به شاخه ای دیگر پریدن است. (فرید وجدی، 70)



مستشرقان و قرآن پژوهان غربی نیز بر این نکته اصرار دارند که بر خلاف کتابهای معمولی که دارای نظم معنایی و فصل بندی محتوایی هستند و هر فصل نیز سیر منظم و هدف خاصی را دنبال می کند قرآن از پراکندگی و گسیختگی ویژه ای برخوردار است و همین امر موجب سردرگمی و حیرت خواننده خواهد شد. «آرتورجان آربری» در بخشی از مقدمه خود بر ترجمه قرآن می نویسد:

«قرآن از هر انسجامی که مربوط به ترتیب نزول باشد و نیز از انسجام منطقی بسی بدور است خواننده قرآن بویژه اگر ناچار باشد که به یک ترجمه اکتفا کند، هر چند آن ترجمه از نظر زبان شناختی دقیق باشد بی شک از سبک جسته جسته و ناپیوسته بسیاری از سوره های قرآن حیران و هراسان خواهد شد.» (ترجمه قرآن، آرتورجان آربری)

گرایش گروه قابل توجهی از قرآن پژوهان مسلمان و غیر مسلمان به نظریه «گسیختگی معنایی سوره های قرآن»، نظریه «پیوستگی محتوایی سوره ها» را با تردید مواجه ساخته و پرسشهای جدی را در این زمینه برانگیخته است.

براستی آیا مجموع آیات یک سوره هدف خاص و مشخصی را دنبال می کند یا هر سوره مشتمل بر درسهای پراکنده ای است و هیچگونه تناسبی میان آنها وجود ندارد؟ اگر هر سوره ای دارای هدف واحدی است چگونگی ارتباط آیاتی که مضامین گوناگون دارند با این هدف چگونه است؟! آیا جمع نمودن موضوعات پراکنده - به خصوص در سوره های طولانی - در زیر یک سقف و ایجاد ارتباط معنایی بین آنها کشف یک واقعیت است یا تکلفی بی سود؟

به فرض که هر سوره دارای هدف مشخص باشد اولاً یافتن این اهداف چه سودی دارد؟ و ثانیاً چگونه می توان با روشی علمی و بدون اعمال سلیقه و پیش داوری هدف یک سوره را کشف نمود و آنگاه محورها و فصل بندی های آن را ارائه کرد؟!

دفاع علمی از نظریه «هدفمندی سوره های قرآن» اقتضاء می کند که ابعاد این نظریه را روشن ساخته و شبهات پیرامون آن را یک به یک پاسخ دهیم، و سپس راهکارهای کشف اهداف سوره ها را مورد بررسی و نقد قرار دهیم. در صورت

پذیرش نظریه، درگام بعدی نمونه هائی از سامان یابی آیات را در پرتو هدف سوره ارائه می دهیم تا توانمندی نظریه در مقام عمل هم نشان داده شود.

پیش از این ، در شماره 29 و 30 نشریه وزین پژوهشهای قرآنی به بررسی پیامدهای و کارکردهای این نظریه ، دلایل موافقان و مخالفان ، روشها و راهبردهای کشف غرض سوره و گزارشی از سبک های نمایشی ساختار سوره ها پرداختیم. در این شماره به بررسی سه مسئله مهم و مبنایی دیگر در این بحث می پردازیم و به سوالات زیر پاسخ می گوئیم :

1. مختصات و ویژگی های نظریه «هدفمندی سوره های قرآن» چیست؟ و پذیرش این نظریه چه لوازمی را در بر دارد؟
2. مبانی نظریه هدفمندی سوره ها چیست و این نظریه برچه اصولی استوار است؟
3. سیر تطور تاریخی نظریه هدفمندی سوره ها چگونه است و از زمان شکل گیری تا ساماندهی کنونی چه تحولاتی در آن رخ داده است؟

1. ویژگی های نظریه هدفمندی سوره ها

نگرشی جامع گرایانه به سوره های قرآن و تلاش در جهت سامان دادن آیات پیرامون یک هدف واحد در سال های اخیر مورد توجه خاص قرآن پژوهان و علاقمندان به معارف اسلامی قرار گرفته است. به همین موازات مخالفان این نظریه نیز بر حجم انتقادات خود افزوده اند و تلاش کرده اند تا تکلف آمیز بودن و بی فائده بودن این نحوه نگرش بر سوره ها را اثبات کنند. اما از آنجا که حدود ویژگی های این نظریه از ابتدا به درستی تبیین نشده است در بسیاری از موارد این مخالفت ها به نزاعی لفظی و بی ثمر تبدیل گشته و از نتایج علمی محروم می ماند. مثلاً برخی از مخالفان نظریه هدفمندی سوره ها - که گاهی از آن به وحدت موضوعی سوره ها یاد می شود - از آن رو با نظریه به مخالفت می پردازند که تصور می کنند لازمه پذیرش این نظریه آن است که بپذیریم که هر موضوع تنها در یک سوره قرآن مطرح شده است و سایر سوره ها از آن خالی است. مثلاً یک سوره



درباره معاد و دیگری درباره توحید و سومی درباره داستان حضرت موسی و غیره است. در حالی که هر کس که اندک آشنائی با قرآن و اسلوب ادبی و بیانی آن داشته باشد می داند که هر سوره به موضوعات متعددی پرداخته است و گاه یک موضوع در چند سوره مطرح شده است چنانچه داستان حضرت آدم (ع) در هفت جای قرآن ذکر شده است.

از این رو، چه بسا در یک سوره مطالب مختلفی پیرامون توحید، نبوت، معاد و سایر مباحث اعتقادی و یا وقایع تاریخی و داستانهای انبیاء ذکر شده باشد و یا شبهات مشرکان و مخالفان اسلام مطرح شود، اما در نهایت همه مطالب به ظاهر پراکنده در مدار یک محور واحد قرار دارند و به عبارت دیگر هر سوره دارای حد جامعی است که مطالب مختلف مطرح شده در سوره را پوشش می دهد. در حالی که طرفداران هدفمندی سوره ها هیچگاه چنین مفهومی را از نظریه قصد نکرده اند و هرگز درصدد اثبات امری که آشکارا برخلاف اسلوب قرآن است نمی باشند.

قرآن پژوهان و مفسرانی که به هدفمندی سوره های قرآن گرایش دارند، و بر این باورند هر سوره دارای جان و روحی است که در کالبد آیات آن جریان دارد و این روح بر مبانی، احکام، توجیهات و اسلوب آن سوره سلطه و اشراف دارد. (مدنی، 5)

اصطلاح رایجی که اخیراً قرآن پژوهان معاصر برای این «حد جامع» بکار می برند عبارت «وحدت موضوعی سوره ها» است. (شحاته، 27) در این عبارت منظور از وحدت موضوعی همان وحدت غرض یا هدف است. تعبیر دیگر همچون «وحدت سیاق»، «هدفمندی سوره ها» و یا «ساختار هندسی سوره ها» و غیره نیز همگی بر همین نکته مشترک دلالت می کنند. که محور اصلی سوره واحد است نه موضوعات مطرح شده در سوره.

طرفداران این نظریه - با هر تعبیری که از آن یاد کرده باشند - معتقدند که نگرش جامع گرایانه به سوره های قرآن و گرایش به وحدت هدف در آنها از ویژگی ها و چارچوب خاصی برخوردار است که هر گونه پذیرش یا انکار نظریه باید با توجه به این ویژگی ها صورت پذیرد.

الف. نظریه هدفمندی سوره ها از «بحث تناسب آیات» فراتر است

برخی از پژوهشگران معاصر تصور کرده اند که نظریه «هدفمندی سوره ها» چیزی در حد مباحث مطرح شده ذیل عنوان «معرفه مناسبات آیات» در کتب علوم قرآنی است از این رو در موافقت با این نظریه به سخنان اندیشمندانی همچون ابن عربی، شیخ ولی الدین ملوی و کسان دیگری که سیوطی در نوع شصت و دوم. کتاب «الاتقان» نظرات و دیدگاههای آن ها را نقل کرده است استناد کرده اند و یا در بیان پیشینه بحث وحدت موضوعی سوره ها از شیخ ابوبکر نیشابوری (متوفی 324 هـ.ق) و عبدالقادر جرجانی (متوفی 471 هـ.ق) که مباحث آغازین علم تناسب را مطرح کرده اند، یاد می کنند. در حالی که تناسب آیات با هدفمندی سوره دو بحث کاملاً جداگانه است.

مبحث تناسب آیات درباره «پیوستگی و ناپیوستگی دو آیه یا چند آیه در کنار چند آیه دیگر» سخن می گوید و تلاش می کند تا عدم ارتباط معنایی آیات هم جوار را در سایه اسبابی همچون تنظیر، تمثیل، تضاد، استطراد، حسن تخلص، اقتضاب و حسن مطلع توجیه کنند. (سیوطی، 389/3-369) اما نگرش جامع گرایانه به سوره ها درباره پیوستگی و مناسبات میان همه آیات یک سوره از آغاز تا پایان است و نه فقط پیوستگی آیات هم جوار. از این رو این نظریه درجه تکاملی بحث مناسب به شمار می رود.

در نظریه هدفمندی آیات نه تنها به ارتباط آیات همجوار توجه می شود بلکه به چگونگی ارتباط آنها با غرض و محور اصلی سوره نیز کاملاً توجه می گردد و مفسر پیش از پرداختن به تفسیر آیات در آغاز نظام کلی و نمای عمومی ساختمان را ترسیم می کند و روابط آیات را با یکدیگر در پرتو غرض اصلی سوره کشف می نماید. در این صورت ممکن است دو آیه یا دو گروه از آیات همجوار بظاهر هیچ ارتباطی با یکدیگر نداشته باشند و هیچ یک از اسباب معنوی تناسب آیات نتواند گسیختگی ظاهری آنان را توجیه کند اما نگرش جامع گرایانه به سوره به لحاظ ارتباطی که با هدف و غرض اصلی سوره دارند ارتباط آنها را محکم و وثیق بداند.



در مبحث تناسب آیات، مفسر یا اصلاً توجهی به هدف و غرض اصلی سوره ندارد و یا حداکثر همچون «البقاعی» آن را مقدمه و ابزاری برای کشف ارتباط آیات همجوار می‌داند. او معتقد است که:

«قاعده کلی که در شناخت مناسبات آیات در تمام قرآن مفید است آن است که در غرضی که هر سوره در جهت آن سیاق یافته دقت کنی و در مقدماتی که آن غرض به آنها نیازمند است نظر نمائی و قرب و بعد مراتب آن مقدمات را نسبت به مطلوب و غرض اصلی بررسی کنی... اگر این را تعقل نمائی نظم بین هر آیه به آیه دیگر و هر سوره با سوره دیگر به طور مفصل روشن می‌شود»
(البقاعی، 18/)

البته ناگفته نماند که علاوه بر ارتباط تاریخی مبحث تناسب آیات با نگرش جامع گرایانه به سوره‌ها، در فرآیند کشف غرض سوره نیز مفسر به ناچار باید به سیاق آیات و تناسب آنها با یکدیگر توجه کند و از این رو ارتباط دو مبحث مذکور با هم بسیار است اما این امر نباید پژوهشگران به وادی یکسان پنداری و آمیختن دو بحث با یکدیگر بکشاند.

ب. هدف سوره کشف کردنی است نه وضع کردنی

یکی از نکات بنیادین در درک هدفمندی سوره این است که هدف اصلی سوره‌های قرآن «کشف کردنی» است نه «وضع کردنی» و هدف اصلی سوره تنها با توجه به همه شواهد و قرائن موجود در محتوای سوره و بررسی اموری همچون شأن نزول سوره، فضای نزول سوره، آیات آغازین و پایانی، واژه‌های کلیدی و غیره قابل شناسائی است.

لازمه آنکه غرض سوره کشف کردنی باشد این است که بپذیریم هر سوره از ابتدای نزول دارای غرض مشخصی بوده است و آیات و نکات مطرح شده در سوره براساس آن هدف اصلی ترتیب یافته‌اند و وظیفه مفسر کشف و راه یابی به این نکته محوری است و بنابراین هیچ کس با حدس و گمان و براساس پیش فرض‌های قبلی نمی‌تواند برای سوره‌های قرآن هدف و غرض دلخواه را وضع کند و آیات را به هر طریق ممکن بدان مرتبط نماید.

با تکیه بر این مبنا است که معتقدیم این نظریه با دور شدن از ذوق زدگی و سلیقه گرایی قابلیت تبدیل شدن به یک تئوری علمی را دارد زیرا به دنبال کشف یک واقعیت است نه خلق یک پدیده. بنابراین در صورتی که گام های خود را عالمانه و استوار بر دارد می تواند به مکانیزم های کشف این واقعیت نائل شود. البته شکی نیست که این علم نیز همچون سایر علوم بشری وادی آزمون و خطا است و چه بسا که مفسران - با همه تلاشی که مبذول می دارند - همانند هر محقق دیگری راه را به خطا بپیمایند و به سر منزل مقصود نرسند.

توجه به این اصل مهم ضرورت یافتن راهکارهایی علمی برای کشف غرض سوره را یادآور می شود و فرآیند یافتن اهداف سوره را به امری سخت و پر مخاطره تبدیل می کند.

ج. وحدت هدف منافاتی با تعدد موضوعات سوره ندارد

یکی از ویژگی های آشکار اسلوب بیانی قرآن تنوع و گستردگی موضوعات و مطالب مطرح شده در هر سوره است این تنوع که جذابیت ویژه ای به کلام الهی بخشیده است از یک سو موجب حفظ شادابی تلاوت کننده این کتاب آسمانی است و از سوی دیگر تأثیرات عمیق و ژرفی را در فکر و روح خواننده خود ایجاد می کند و با پراکندن گوهرهای وعظ و نصیحت در لابه لای کلام و یادآوری داستانهای سازنده و اشاره به معارفی از توحید، معاد و... اندک اندک روح و جان آدمی را برای پذیرش حقایق خود آماده می سازد.

این اسلوب قرآنی به خصوص در سوره های طولانی همچون سوره بقره بیشتر خودنمایی می کند. ابتدای این سوره از مؤمنان سخن رانده است. کسانی که از خدا می ترسند و ایمان به غیب داشته، نماز را به پای می دارند، از روزی خود انفاق می کنند و به آنچه پیامبران آورده اند ایمان می آورند سپس از کسانی می گوید که کفر ورزیده اند و در ادامه به معرفی منافقان می پردازد، کسانی که با زبان اظهار ایمان می کنند اما قلب هایشان از ایمان تهی است، بعد از آن داستان آفرینش انسان و خلقت حضرت آدم(ع) دنبال می شود، از داستان ابلیس و کفر او سخن می گوید و غرور و تکبر او را به تصویر می کشد. آن گاه به قسمتی از داستان ابراهیم(ع) و



تجدید بنای کعبه به دست او می پردازد. و موضوعات فراوان و نامتلائم پی در پی مطرح شده است. (حسین، ۱۴۹-۱۵۰)

طرفداران «هدفمندی سوره ها» با پذیرش این واقعیت معتقدند که تنوع موضوعات سوره هیچ گونه تعارضی با وحدت هدف آن سوره ندارد بلکه جان سخن در این نظریه آن است که موضوعات بظاهر پراکنده و نامتلائم یک سوره در یک ارتباط منطقی و هدایت گرایانه به یک هدف اصلی مرتبط می شوند و این هدف که جان اصلی و روح حاکم بر آن سوره محسوب می شود به این موضوعات پراکنده اشراف داشته و همه را با یکدیگر هماهنگ می کند. بدینسان نگرش ساختاری به سوره های قرآن بدون اینکه قرآن کریم را از سبک و اسلوب ویژه اش خارج سازد گام مهمی برای فهم مقاصد قرآن و درک معارف و حقایق جدیدی از آن بر می دارد و انسجام درونی سوره را به نمایش می گذارد.

به عبارت دیگر هر سوره دارای یک هدف اصلی است و هر دسته از آیات به لحاظ تناسب معنایی و ارتباطی که با یکدیگر دارند بخشی از این هدف را پوشش می دهند و فصلی از سوره را به خود اختصاص می دهند و در نتیجه هر سوره از چند فصل مجزا تشکیل شده است این فصول در پرتو هدف اصلی سوره ارتباطی منطقی و ساختاری با یکدیگر دارند به گونه ای که می توان با یک نمودار درختی همه آیات را از طریق فصل ها و عناوین فرعی به یک موضوع اصلی متصل نمود. مثلاً پس از آنکه اثبات می کنند که هدف اصلی سوره مبارکه «الملک» «بیان ربوبیت تامه الهی و ابعاد آن» است. آیات آن را به ترتیب زیر فصل بندی می کنند.

1. مفهوم ربوبیت و دلایل آن آیات (5 - 1)

2. تأثیر اعتقاد به ربوبیت الهی در سرنوشت انسانها (14 - 6)

3. نشانه های ربوبیت الهی در خلقت (30 - 15)

بنابراین در تمام سوره ها آنچه حد جامع و رشته وصل همه آیات است، مسئله «ربوبیت الهی» است که هدف سوره را تشکیل می دهد. حتی اگر در این سوره مسئله معاد نیز در آیات 29 - 24 مطرح شده است نیز برای نشان دادن جلوه ای از ربوبیت الهی است که در قیامت آشکار و بی پرده بر همگان روشن می گردد.

د. هدفمندی سوره به معنای عدم تکرار اهداف نیست

لازمه اعتقاد به نظریه هدفمندی سوره ها این نیست که هر موضوع فقط در یک سوره مطرح شده باشد و الزاماً 114 هدف متفاوت و کاملاً متمایز در قرآن وجود داشته باشد. بلکه ممکن است دو سوره یک موضوع و محور اصلی داشته باشند اما هر یک از زاویه ای جداگانه به تحلیل و بررسی موضوع پرداخته باشند مثلاً هدف سوره مبارکه «مرسلات» و سوره «نبأ» اثبات قیامت است. اما در سوره مرسلات، قیامت را با تکیه به اصل تشریح و رسالت پیامبران اثبات می کند اما سوره «نبأ» با استدلال بر هدفمندی همه اجزاء جهان و وجود حکمت در افعال باری تعالی به اثبات قیامت می پردازد.

به علاوه ممکن است هدف دو سوره کاملاً یکسان باشد و حتی هر دو هدف را با یک عبارت مشابه بیان کنیم اما در هر سوره هدف مورد نظر را به گونه ای دنبال کرده باشد، مثلاً هدف سوره مبارکه «قیامت» بیان علل عدم پذیرش قیامت است و به عواملی همچون شهوت طلبی، دنیاخواهی، تکبر اشاره می کند. سوره «انفطار» نیز درباره همین موضوع سخن می گوید با این تفاوت که مهم ترین عوامل انکار قیامت را پشت کردن به ربوبیت الهی و غفلت از نتایج اعمال می داند و سپس به بیان راه و درمان آن می پردازد.

هـ نگرش ساختاری، سوره ها را به فصول قرآن تبدیل نمی کند

یکی از ویژگی های رایج کتابهای بشری فصل بندی مطالب است. نویسندگان با فصل بندی کتاب، مطالب و نکات مورد نظر خود را به شیوه ای مناسب در فصلهای مختلف توزیع کرده تلاش می کند که در آخرین فصل سخن را به پایان برده و نتیجه لازم را اخذ کند در روش فصل بندی، هر فصل مستقل از فصل دیگر بوده و از جهت مطالب مطرح شده و عناوین اصلی کاملاً از یکدیگر متمایز هستند و تنها در هدف اصلی که کتاب بدان منظور تألیف شده است اشتراک دارند. بنابراین اقتضای این روش آن است که هر موضوع یا مطلب فقط یک بار و آنهم در



فصل خاصی از کتاب مطرح می شود و در سایر فصول تکرار نگردد. آیا لازمه اعتقاد به هدفمندی سوره های قرآن آن است که هر سوره بسان یک فصل از کتاب وحی باشد و هیچ موضوعی در دو سوره تکرار نشده باشد و مطالب و جزئیات سوره ها کاملاً با یکدیگر متفاوت باشد؟

شکی نیست که منظور طرفداران نگرش ساختاری از بیان اهداف سوره ها فصل بندی قرآن نیست. زیرا هر کس که کمترین آشنائی با قرآن کریم و اسلوب ویژه آن داشته باشد می داند داستان حضرت موسی (ع) یا جریان حضرت آدم (ع) و دهها موضوع دیگر بارها در قرآن کریم تکرار شده است و در برخی از موارد این موضوعات حتی با الفاظ کاملاً یکسان بیان شده اند به علاوه در قرن اخیر با استفاده از «روش تفسیر موضوعی» و جمع آوری آیات مرتبط با یک موضوع از سراسر قرآن و مقایسه و بررسی آنها هزاران نکته ارزشمند و آموزنده از قرآن کریم فراهم آمده است و صدها کتاب در این خصوص نگاشته شده است مثلاً هدایت در قرآن. (جوادی آملی) ولایت در قرآن، (همان) یهود در قرآن، (ابن شریف) جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن (مصباح یزدی) و...

این شواهد روشن نشان می دهد کسانی که با این بهانه به مخالفت با نظریه هدفمندی سوره های قرآن برخاسته اند سخت در اشتباه اند و اصولاً این نظریه در صدد فصل بندی قرآن نیست بلکه تأکید می کند که یک موضوع در سوره های مختلف قرآن مطرح شده است چگونگی ارائه آن در هر سوره ای نیز به طور کامل با هدف و محور اصلی سوره تناسب دارد و به عبارت دیگر با توجه به اهداف سوره ها می توان یکی از اسرار «تکرار» را در قرآن کشف نمود.

با توجه به این نکته است که اندیشمندانی که بعنوان نظریه پردازان اصلی هدفمندی سوره ها در مجامع علمی شناخته شده اند با صراحت اعلام می دارند که:

«با اینکه هر یک از سوره های قرآن کریم دارای نشانه و رنگ خاص و مشخصه ویژه ای، است و از جان و روحی برخوردار است که در تمام زوایای آیات آنها جریان دارد اما نمی توان سوره ها را بسان فصول و ابوابی تلقی کرد

که کتابهای معمولی در تألیف و تربیت متداول بدان تقسیم شده و بر حسب آنها تنظیم می گردد اگر کسی بخواهد سوره های قرآن کریم را به عنوان ابواب و فصول این کتاب آسمانی در نظر بگیرد و با چنین دیدگاهی به تفسیر آن دست یازد باید گفت: چنین کسی با دیدی تکلف آمیز و نه در خور قرآن کریم بدان نگریسته است و سخت به بیراهه افتاده و می کوشد این کتاب آسمانی را از سبک و اسلوب ویژه آن خارج سازد» (مدنی،/5)

ناگفته نماند که گرچه سوره های قرآن از این جهت با فصل بندی رایج کتابهای تفاوت دارند اما از یک جنبه نیز از ویژگی مشترکی با آنان برخوردار هستند. که در عنوان بعدی توضیح داده خواهد شد.

و. اهداف سوره ها جزئی است نه کلی

از بعضی از مفسرانی که به نظریه هدفمندی سوره ها اعتقاد داشته و درصدد تفسیر قرآن با این نگرش بر آمده اند در عبارت پردازی اهداف سوره از عباراتی کلی و عمومی استفاده کرده اند. مثلاً گفته اند هدف سوره شریفه «الملک» «بیان راه سعادت و نیکبختی است» (خالدی،/595) و یا غرض همین سوره را بیان تعالیم اسلامی و غفلت زدائی از مردم اعلام کرده اند (مودودی،/8/6) اما باید توجه داشت وقتی که می گوئیم «هر سوره هدفی دارد» منظورمان از هدف عبارات وسیع و گسترده ای که قابلیت اطلاق بر همه سوره های قرآن را دارند نیست؛ بلکه هدف خاص همان سوره مدنظر است. اهدافی که با کمک قیود محدودکننده از اهداف سایر سوره ها متمایز شده باشند و امکان ارزیابی صحت و سقم آن ها با کمک شاخص ها و ابزارهای کشف اهداف سوره ها میسر باشد.

برای نمونه ، اگر هدف سوره «قیامت» را توجه دادن انسان ها به روز قیامت عنوان کنیم از عبارت کلی استفاده کرده ایم که قابل انطباق بر اهداف اکثر سوره های آخر قرآن می باشد و این هدف کلی نه خاص یک سوره است و نه قابل ارزیابی. اما وقتی با دقت و تلاش به این نتیجه می رسیم که هدف این سوره «بررسی علل انکار قیامت» است هدف این سوره را از سوره «حاقه» که



درصد «اثبات حقانیت قیامت» است جدا کرده ایم و خود را ملزم نموده ایم که دلائل گزینش این عنوان را به طور مستدل بیان کنیم.

به نظر می رسد که تمسک به مفاهیم کلی و موضوعات فراگیر در عبارت پردازی اهداف سوره ها بیش از آنکه اقدامی در راستای غرض سوره و ترسیم ساختار آن به شمار آید به گریزگاهی می ماند که برای فرار از تلاش علمی و منطقی و نظام دار در این جهت تدارک دیده شده است.

ویژگیهای پنجگانه که برای نظریه هدفمندی سوره ها بر شمردیم به ما کمک می کند تا تصویر روشن تری از این نظریه و مفهوم «هدف سوره» بدست آوریم. این معنا در پذیرش و یا انکار نظریه باید به عنوان مبنا پذیرفته شود تا جهت گیری مناسبی به دلایل و استدلالهای عقلی و نقلی مخالفان و موافقان نظریه ببخشد.

طرفداران نگرش جامع گرایانه به سوره ها بر این باورند که با پذیرش این ضوابط می توان اهداف و مقاصد همه سوره های قرآن را کشف و ساختار درونی آن را ترسیم کرد و از این جهت تفاوت چندانی میان سوره های کوچک و بزرگ قرآن وجود ندارد. هم چنانکه تا کنون قریب به بیست دوره تفسیر کامل قرآن بر این اساس به رشته تحریر درآمده است و همه آنها تلاش کرده اند اهداف همه سوره ها را کشف کرده و فصل بندی موجود در هر سوره را به تناسب اهداف آن بیان کنند. تنها تفاوت سوره های بزرگ و کوچک در تعداد فصل ها و محورهای فرعی آنهاست. اما در اینکه هر سوره تنها یک هدف اصلی دارد هیچ تفاوتی میان سوره های قرآن وجود ندارد.

گفتنی است که برخلاف تصور اولیه کسانی که آشنائی چندانی با این علم ندارند و می پندارند که کشف غرض سوره های بزرگ محال یا حداقل بسیار مشکل است، این امر در سوره های بزرگتر آسان تر از سوره های کوچک است. زیرا در سوره های کوچک با عبارات اندک مطالب گسترده ای بیان شده است و امکان عنوان بندی و تفکیک فصول آن را با مشکل مواجه می کند اما سوره های بزرگتر با توسعه ای که به عبارت پردازی می دهند امکان تنظیم عناوین فرعی را برای مفسر فراهم می آورند تا وی با مقایسه فصل ها و بیان حد جامع بین آنان به

کشف غرض اصلی سوره نائل آید.

2. سیر تطور تاریخی نظریه هدفمندی سوره ها

از جهت تاریخی توجه جدی به غرض سوره ها و تأکید بر آنکه هدف هر سوره باید اساس فهم آیات تلقی گردد از اوائل قرن چهاردهم هجری با نگارش تفسیر المنار آغاز شد. اما چنان نیست که گذشتگان بطور کامل از آن غافل باشند. قرآن پژوهان و مفسران پیشین این بحث را از دریچه تناسب و ارتباط آیات می نگریستند. نخستین نشانه های این رویکرد در قرن هفتم هجری و در «تفسیر مفاتیح الغیب» (603 هـ) به چشم می خورد. فخررازی (606-543) که به گفته سیوطی به اعجاز قرآن از جهت نظم و ترتیب آیات (سیوطی، 342) اعتقاد داشت. نویسنده «المفسرون منهجم و حیاتهم» معتقد است که فخر رازی در تفسیر خود به بیان مناسبت بین آیات و سوره ها اهتمام ورزیده است و در برخی موارد نیز خواننده را به وحدت موضوعی بین آیات راهنمایی کرده است. (ایازی، المفسرون منهجم و حیاتهم، 655) در قرن هشتم نیز این روش مورد توجه «نیشابوری» (نیشابوری، غرائب القرآن و رغائب الفرقان) قرار گرفت و بخشی از تفسیر خود را به بیان تناسب آیات اختصاص داد. اما سخنی از اغراض و مقاصد سوره ها به میان نیاورد.

قرن نهم هجری گرایش و اهتمام ویژه مفسران به تناسب آیات به اوج خود رسید در نتیجه مقاصد سوره ها نیز به کانون توجه آنان راه یافت. نخست المهایمی (835 هـ) در تفسیر «تبصیر الرحمان و تیسیر المنان» به بهانه ذکر وجه تسمیه سوره ها به مقاصد آنها اشاره کرد او معتقد بود که بین اسم سوره و مقصد اصلی آن ارتباط معنا داری وجود دارد.

پس از او نوبت به مجد الدین فیروز آبادی (871 هـ) رسید که در «بصائر ذوی التمییز فی لطائف الكتاب العزیز» به صراحت از مقاصد سوره ها یاد کند. وی ابتدای هر سوره بخشی را به «معظم مقاصد السوره» اختصاص داد و مطالب و موضوعات مطرح شده در سوره را فهرست وار بیان می کرد. گرچه او به هدف اصلی سوره



اشاره ای نمی کرد اما با بکار بردن عبارت «مقصود السوره» زمینه ای برای نگرش به اهداف و مقاصد سوره ها می گشاید.

در همان زمان برهان الدین ابن الحسن البقاعی (885 هـ) با نگرش کتاب «نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور» تحول شگرفی در مبحث «ارتباط آیات» بوجود آورد او به انواع مختلف تناسب همچون تناسب سوره ها و تناسب آیات اعتقاد داشت و سعی کرد راهیابی به تناسب آیات را قانونمند کند و اصول و بنیان های علمی آن را پی ریزی نماید. یکی از مهم ترین قواعدی که وی در این خصوص بیان کرده است توجه به غرض سوره است او می گوید:

«قاعده کلی ای که در شناخت مناسبات آیات در تمام قرآن مفید است آن است

که در غرضی که سوره در جهت آن سیاق یافته دقت کنی» (البقاعی، 1/18)

بقاعی نخستین کسی است که به اهداف سوره با نگرش امروزی پرداخته است و ضمن پابندی به وحدت غرض در هر سوره تلاش نموده با استفاده از راهکارهایی همچون فضائل سوره ها، اسامی، شأن نزول و سیاق آیات به غرض سوره راه یابد و آنگاه از رهگذر غرض سوره به مناسبات آیات پی برد. وی در ابتدای تفسیر خویش ادعا می کند که هیچ کس بر او در این فن سبقت نگرفته است (همان، 2/1) اگر در این ادعا تردید کنیم اما شکی نداریم که او تحول بزرگی در علم مناسبت بوجود آورد. و نگرش هدفمند به سوره ها را پی ریزی کرد و از این جهت همه کسانی که پس از او در این وادی گام برداشته اند و امدار اندیشه ها و تلاش های فکری او هستند.

پس از بقاعی مفسران دیگری نیز تا قرن سیزدهم به تناسب آیات پرداختند اما ضمن آنکه نوآوری خاصی در این زمینه ارائه نکردند و از رویکرد ویژه او به غرض سوره ها نیز پیروی نمودند. تفاسیری همچون «سراج المنیر» (الشربینی) (961 هـ) «ارشاد العقل السلیم» (ابوالسعود) (974 هـ) «منهج الصادقین» (کاشانی) (998 هـ) «سواطع الالهام» (1004 هـ) «تفسیر القرآن الکریم ملاصدرا» (1030 هـ) و «روح المعانی» (ألوسی) (1263) را باید از این گروه برشمرد.

با شروع قرن چهاردهم هجری تحولی شگرف در روشهای تفسیری و

سبک های تفسیرنگاری مسلمانان پدید آمد در این قرن - که سید جمال الدین اسد آبادی آن را قرن بازگشت به قرآن نامید - گرایش به علم گرائی، عقلانیت، اندیشه های اجتماعی، تقریب بین مذاهب، خرفه زدایی، در جامعه بشری به عنوان ارزشهای رایج مطرح شد و آرام آرام گرایش به اجتماع گرائی را در تفسیر قرآن به وجود آورد. (ایازی، سیر تطور تفاسیر شیعه، /132)

گرایش به تفسیر علمی قرآن، تنوع نویسی و توجه به نیازهای اجتماعی در تفاسیر این دوره کاملاً نمود پیدا کرد. یکی از آثار این نهضت قرآنی مخاطب محوری و آسان نویسی بود تلاش برای برقراری ارتباط با مخاطبان و انتقال مفاهیم قرآنی به نسل جوان موجب شد تا سبک های جدیدی در تفسیر قرآن ابداع و ارائه شود. یکی از این روشها تفسیر ساختاری و توجه به اهداف سوره ها بود که به حق باید محمد عبده را مبتکر این روش در قرن اخیر بدانیم.

محمد عبده اصرار داشت که کشف هدف سوره، به مفسر کمک می کند تا به طور دقیق به معانی آیات نزدیک شود و معارف قرآن را درک کند شاگرد وی سید رشید رضا در «تفسیر المنار» این نظر استاد را به خوبی توضیح داده است. (معرفت، /407) وی در این تفسیر پس از آنکه به صراحت از هدف سوره یاد می کند به شکل بدیعی آیات را عنوان بندی نموده و آنها را به هدف سوره مرتبط می کند.

تحولات علمی و اجتماعی و رواج روش های نوین ارائه دستاوردهای علمی را باید مهم ترین دلیل گرایش مفسران به روش ساختاری در تفسیر قرآن بنامیم. اما در این مقطع نباید از تأثیر ویژه ای که سخنان و اشکالات مستشرقان پیرامون اسلوب بیانی قرآن مطرح می کردند غفلت کرد. قرآن شناسان غربی با مقایسه سبک قرآن با روش های رایج در کتب علمی اعلام کردند که قرآن سبکی کاملاً از هم گسیخته و جسته جسته دارد. به اعتقاد آنان چنین نقص آشکاری نشان می دهد که قرآن نه تنها کتابی الهی نیست بلکه نسبت به کتابهای رایج بشری نیز از کاستی برخوردار است.

به گزارش نویسنده کتاب «آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره»



نخستین کسی که این سخن را مطرح کرد «ریچارد بل» بوده است که در سال 1935 در مقدمه ترجمه قرآن، یکی از ویژگی های اصیل سبک قرآن را گسیختگی آن نامید. سپس این سخن توسط جرجیس سال (متوفی 1963 م) و آرتور آربری (1969 م) و برخی دیگر از مستشرقان نیز مطرح شد و سرانجام به عنوان یک اصل پذیرفته شده به دائرة المعارف بزرگ بریتانیا راه پیدا کرد. (رضوان، 687/2)

سخنان مستشرقان تأثیر زیادی در محافل علمی جهان اسلام گذاشت و انگیزه دو چندانانی را در قرآن پژوهان برانگیخت تا با جدیت بیشتری به بررسی نحوه ارتباط موضوعات پراکنده در سوره ها پردازند و نظریه هدفمندی سوره های قرآن را تکامل بخشند. بنابراین نباید به اشتباه این عامل را علت اصلی و منحصر به فرد گرایش مفسران به هدفمندی سوره ها بدانیم زیرا بررسی های تاریخی نشان می دهد که قبل از آنکه این نظریه در بین مستشرقان رواج پیدا کند دانشمندان مسلمان با نگارش تفاسیر متعددی اقبال خود را در این سبک تفسیری نشان داده بودند که تنها یکی از نمونه های آن «تفسیر المنار» بود.

در فاصله کوتاهی پس از انتشار «المنار» شیخ طنطاوی (1258 - 1287 هـ) «الجواهر فی تفسیر القرآن» را نگاشت (تألیف: 1344 هـ - 1923 م) و علاوه بر توجه ویژه به علوم جدید در تفسیر قرآن اهداف و ساختار سوره را نیز در تفسیر دخالت داد و یا شیخ محمود شلتوت تحت تأثیر روش المنار ده جزء نخست قرآن را تفسیر کرد و کوشید مقاصد سوره را گزارش کند اما هنوز این حرکت در ابتدای راه بود.

با شروع دهه چهارم قرن بیستم این حرکت اوج گرفت. این بار سردمدار آن سید قطب بود که با انتشار مقاله ای با عنوان «تصویر هنری قرآن» در مجله «المقتطف» در سال (1939-1360 هـ ق) و سپس کتابی با همین عنوان (1944 م - 1365 هـ) نشان داد در فهم قرآن نباید فقط به آیات توجه کنیم بلکه باید نگرشی کلی به سوره داشت و ویژگی های عمومی سوره را کشف کرد.

به دنبال طرح این مسئله از سوی سید قطب، دکتر محمد عبدالله دراز در کتاب «النبأ العظيم» این نظریه را پی گرفت (1352 هـ - 1933 م) و تلاش نمود تا برخی

از انتقادات موجود پیرامون این نظریه را پاسخ دهد وی با ارائه ساختار سوره بقره در کتاب خود نشان داد که با این نظریه حتی بزرگ‌ترین سوره قرآن را نیز می‌توان تفسیر نمود. آنگاه پا را از این هم فراتر گذاشته و بر پایه نگرش ساختاری به قرآن روش جدیدی برای ارائه درس تفسیر قرآن در دانشگاه الازهر مصر ارائه داد.

پس از وی شیخ محمد مدنی - ریاست دانشکده الهیات الازهر - نیز بر این مسئله تأکید کرد و گفت: هر سوره‌ای در قرآن کریم دارای جان و روحی است که در کالبد آیات آن سوره جریان دارد و این روح بر مبانی و احکام و اسلوب آن سوره اشراق دارد. آنگاه برای اثبات این نگرش ساختار سوره نساء را در کتاب «المجتمع الاسلامی کما تنظمه سوره النساء» (چاپ 1935 م - 1354 هـ.ق) ترسیم نمود.

پذیرش نظریه هدفمندی سوره‌ها از سوی مفسران و اندیشمندان مسلمان و تأکید بر این که این نظریه هیچگونه تعارضی با سبک اصیل قرآن ندارد و کارکردها و پیامدهای مثبتی را نیز به دنبال خواهد داشت زمینه مساعدی را برای پذیرش آن در محافل علمی و حوزوی جهان اسلام فراهم آورد.

تا این مرحله همه تلاش دانشمندان برای تقریب این مسئله به اذهان و نشان دادن سازگاری آن با سبک قرآن مصروف می‌شد اما هنوز هیچ گام مشخصی برای تبیین مبانی نظریه و پیامدها و چالش‌های آن برداشته نشده بود و از همه مهمتر اصول علمی دستیابی به اهداف و اغراض سوره‌ها منقح نگشته بود. با نگرش هم‌زمان دو تفسیر ارزشمند در جهان اسلام یعنی «المیزان فی التفسیر القرآن» (1375 هـ) و «فی ظلال القرآن» (1374) توسط دو مفسر زمان شناس یکی از شیعیان و دیگری از اهل تسنن این نقیصه تا حدی بر طرف شد.

علامه محمد حسین طباطبائی (1402 - 1321 هـ.ق) نخستین مفسر شیعی بود که در تفسیر خود به اهداف و مقاصد سوره‌ها و بلکه به ساختار سوره‌ها توجه کرد. وی با گشودن فصلی در ابتدای هر سوره با عنوان (بیان) هدف و غرض اصلی سوره را بیان می‌کرد. و در لابلاهی تفسیر خود مبانی نگرش ساختاری به



قرآن را استوار نموده و روشهای راهیابی به اهداف سوره ها را گوشزد کرد. آنگاه آیات را براساس ساختار پذیرفته شده تفکیک کرد و به تفسیر آنها پرداخت. در ابتدای هر دسته از آیات غرض آنها را بیان نموده و نحوه ارتباطشان آنها را با هدف اصلی سوره ذکر می کرد.

سید قطب (1386 - 1326 هـ) نیز از کوششی چشمگیر و نظریاتی نافذ در تبیین پیام ها و اهداف سوره های قرآن کریم در تفسیر خود بهره مند بوده و قبل از آغاز به تفسیر هر سوره، نقطه نظرها و پیام های سوره را به گونه ای مطرح می ساخت که خواننده از لابلای آن وحدت پیام و یکپارچگی پیکره و اندام سوره ها را کشف کند و پس از آنکه چکیده ای از مفاهیم سوره را بیان می کرد اهداف و مقاصد سوره را ذکر نموده و اجزای آن را بهم ربط می داد.

کار سترگ علامه طباطبائی و سید قطب آثار مثبت نگرش هدفمند به سوره ها را نشان داد و تأثیر شگرف مطالعه ساختاری سوره را در کشف نکات بدیع و کارآمد را به همگان اثبات کرد. همین امر موجب شد تا قرآن پژوهان و مفسران نگاه تازه ای به این نظریه پیدا کنند و چندین تفسیر کامل و دهها کتاب در این رابطه بنویسند. بدینسان در بسیاری از کتابهای علوم قرآنی که از سال (1390 هـ - 1970 م) به این سو نوشته می شد، فصلی نیز بررسی نظریه «وحدت موضوعی سوره های قرآن»، یا «اهداف و مقاصد قرآن» و یا «اسلوب بیانی» و عناوینی از این قبیل اختصاص داده شده است.

انتشار کتاب «الوحده الموضوعیه فی القرآن الکریم» که توسط دکتر محمد محمود حجازی به رشته تحریر در آمده بود (1390 هـ - 1971) فصل تازه ای در شکوفائی این علم گشود. او در کتاب خود ضمن بررسی مبانی این نظریه شباهات مربوط به آن را پاسخ گفت.

در سالهای پایانی قرن چهاردهم و بیش از دو دهه که از قرن پانزدهم می گذرد هر روز توجه بیشتری به این نظریه معطوف شد بگونه ای که در این سالها بیش از 25 دوره تفسیر کامل براساس این نظریه نگاشته شده است.

به عبارتی در سالهای اخیر تقریباً هر سال یک تفسیر جدید بر مبنای هدفمندی

سوره ها به رشته تحریر در آمده است که مهم ترین آنها عبارتند از: التحریر و التنویر، الاساس فی التفسیر، تفسیر القرآن الکریم، من وحی القرآن، صفوه التفاسیر، تفسیر کاشف، من هدی القرآن، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، تفهیم القرآن، ایسر التفاسیر و التفسیر البنائی.

بدین ترتیب قرن پانزدهم شاهد استقبال گسترده قرآن پژوهان به نظریه هدفمندی سوره ها بوده است بگونه ای که هم اکنون یکی از بخش های ثابت اکثر تفاسیر شیعه و سنی را «بررسی اهداف و مقاصد سوره ها» تشکیل می دهد.

استقبال بی نظیر مفسران به این روش تفسیری از یک سو و سخنانی که در موافقت و مخالفت با این روش تفسیری بر زبانها رانده شده است از سوی دیگر، ضرورت توجه جدی به بررسی مبانی پیامدها و چالش های هدفمندی سوره ها را روز به روز ملموس تر می کرد. این نیاز با تهیه کتب، مقالات و پایان نامه های متعدد تا حدی برآورده شد. (رک: نکونام، جعفر؛ چکیده پایان نامه های علوم قرآن)

در همین راستا باید به کار ارزشمند علی صفائی حائری در «تطهیر با جاری قرآن» اشاره کرد که به روشی جذاب و خواندنی با تکیه بر ساختار سوره ها به تفسیر برخی سوره های قرآن پرداخته است. همچنین انتشار کتاب «نظم قرآن» از عبدالعلی بازرگان (1372) و «پژوهشی در نظم قرآن» عبدالهادی فقهی زاده (1374) و نگارش مقاله ای توسط عبدالکریم بی آزار شیرازی در کیهان اندیشه (شماره 28) و مقالاتی از سید محمد علی ایازی در صحیفه مبین نام برد. این مقالات در سال های بعد توسط نویسندگان آنها تکمیل شده و با عنوان «قرآن ناطق» (بی آزار شیرازی) و «چهره پیوسته قرآن» (ایازی) به صورت کتاب به چاپ رسید.

نگارنده این نوشتار نیز در پایان نامه خود - که به نام ساختار هندسی سوره های قرآن در سال 1382 چاپ شد - به طور مشروح از اهمیت بحث و معنا و مفهوم آن و پیامدها و کارکردهای بررسی ساختاری سوره ها سخن گفت و دلائل موافقان و مخالفان را دسته بندی و بررسی کرد. و برای نخستین بار فهرست کاملی از ابزارهای کشف اهداف سوره ها ارائه داد. و با ارائه گزارشی از چالش های



تعیین غرض سوره و سبک های نمایشی آن بحث خود را به پایان برد. و سبک جدیدی با عنوان «روش ساختار منطقی» را در تفسیر قرآن پیشنهاد نمود.

3. مبانی هدفمندی سوره ها

مبانی هدفمندی سوره که به مثابه اصول موضوعه بحث تلقی می شوند و پیش فرض هائی است که طرفداران این نظریه قبل از هرگونه استدلالی آنها را پذیرفته اند. بنابراین مخدوش شدن هر یک از مبانی به تنهایی کافی است که این نظریه را از پای بست ویران کند. از این رو برای آنکه حدود بحث مشخص شود و گفتگو از حیطه دلائل به محدوده مبانی کشیده نشود بجا است مبانی مذکور را یک بار مرور کنیم.

مبانی سه گانه هدفمندی سوره ها عبارتند از:

1. همسانی اصول جذابیت در کلام الهی و بشری
2. وحیانی بودن ساختار سوره ها
3. هدفدار بودن قرآن

الف. همسانی اصول جذابیت در کلام الهی و بشری

یکی از بدیهی ترین جنبه های اعجاز قرآن به ویژگی های لفظی و فصاحت و بلاغت این سخن شگرف باز می گردد. قرآن کلامی زیبا و با نفوذ است که گیرائی و تأثیر شگفت انگیزی در خواننده خویش بجا می گذارد. شورانگیزی مثال زدنی قرآن را نمی توان ساده انگاشت چرا که نمونه های تاریخی گزارش شده از تأثیرگذاری بیانی قرآن برای هیچ کتاب دیگری نقل نشده است.

رمز این تأثیرگزاری، شورانگیزی و نشاط آفرینی جاودانه قرآن در چیست؟ بی شک اسرار این راز ناگشوده را باید در تبعیت از اصول و نکات دقیق و ظریفی دانست که برخی از آنها بنام اصول و قواعد فصاحت و بلاغت شهرت یافته اند و بسیاری دیگر از این اصول باید با تلاش و کاوش علمی ادبا و سخن شناسان جهان به تدریج کشف و بیان گردد.

اگر اعجاز ادبی قرآن را بپذیریم باید این نکته را باور کنیم که هر چه موجب جذابیت، گیرائی و زیبایی کلام می شود در قرآن کریم به نحو احسن رعایت شده و قرآن هر یک از قواعد را در اوج خویش رعایت کرده است همچنانکه شاهکارهای ادبی جهان نیز به دلیل رعایت همین اصول در اوج قرار داشته و به آثاری جاودانه و ماندگار تبدیل شده اند.

اگر نظم آهنگ باعث جذابیت کلام بشری است و تعقید کلام موجب تنفر، پس قرآن باید دارای بهترین نظم آهنگ بوده و به کلی از تعقید خالی باشد. تفاوت قرآن با کلام بشری در این نیست که قرآن چون سخن خدا است از اصولی جدای از اصول پذیرفته شده در جذابیت کلام بشری بهره برده است بلکه اقتضای الهی بودن کلام، متعالی بودن و بی نقص بودن آن است چنانکه درباره سایر صفات الهی نیز این امر پذیرفته شده است. مثلاً تفاوتی در مفهوم علم الهی و علم بشری نیست بلکه تفاوت در مصداق است که علم خداوند بی نهایت و علم انسان محدود است. از جمله اصولی که باعث جذابیت کلام است نظم و چینش ادبی آن است. پراکنده گویی و از شاخه ای به شاخه دیگر پریدن و آسمان و ریسمان را بهم بافتن کلام را نا زیبا و خواننده را خسته می کند و رشته کلام را در ذهن او از هم می گسلد. حال چه کلام بشری باشد یا خدائی هیچ تفاوتی نمی کند. اگر بپذیریم که رعایت این اصل در متون ادبی باعث جذابیت آن خواهد شد قرآن نیز باید آن را رعایت کرده باشد آن هم به دقیق ترین و کامل ترین شکل آن از این رو دیگر توجیهی ندارد که بگوئیم رعایت نظم در کلام بشری لازم است. اما در کلام الهی ضرورتی ندارد و اصولاً رمز اعجاز قرآن در همین نکته نهفته است که بدون رعایت اصول جذابیت کلام، سخنی گیرا و تأثیرگذار است!!!

البته ممکن است کسی در پذیرفتن این اصل یا دیگر اصول جذابیت و فصاحت کلام تردید کند و یا اینکه در پیروی محض قرآن از روشهای رایج شک روا دارد و بگوید قرآن نیز پیوستگی در کلام را رعایت کرده است اما از پل های ارتباطی بدیع تر و کاراتری نسبت به متون بشری استفاده کرده است. اما پذیرفتن یک اصل در کلام بشری و نا سازگار دانستن آن با متون قدسی یا بر عکس امری نامعقول و

غیر قابل قبول است.

ب. وحیانی بودن ساختار سوره ها

یکی از پایه های اساسی نظریه هدفمندی سوره ها، بحث توقیفی بودن یا اجتهادی بودن چینش آیات در سوره است. بگونه ای که برخی از قرآن پژوهان معتقدند که اگر کسی به اجتهادی بودن ساختار سوره های قرآن گرایش داشته باشد دیگر مجالی برای پذیرش نظریه هدفمندی سوره ها یا هر گونه تناسب دیگر بین آیات قرآن نخواهد داشت زیرا در این صورت نظم فعلی آیات را محصول تلاش و اجتهاد صحابه می داند و طبیعی است که چنین کاری نمی تواند از اشتباه یا کج سلیقه بدور باشد. از این رو دیگر نوبت بررسی حکمت ها و ظرافت های ارتباط بین آیات نمی رسد. ارتباط تنگاتنگ نظریه هدفمندی سوره ها با اثبات وحیانی بودن ساختار آنها ضروری می سازد که این بحث را با دقت بیشتری پیگیری کنیم. مهم ترین دلایلی که وحیانی بودن ساختار سوره ها را اثبات می کند به شرح زیر است:

1. اقتضای اصل

پیش از هر چیز باید مشخص کنیم که در این بحث «اصل» به کدام سو گرایش دارد؟ آیا اصل بر توقیفی بودن آیات است یا بر اجتهادی بودن آن؟ و یا اینکه اصل هیچیک را اقتضا نمی کند؟!!

بنظر می رسد که اصل بر وحیانی بودن ساختار فعلی آیات در سوره هاست و اگر کسی خلاف آن را ادعا کند دلیل قاطع و برهان محکمی اقامه کند. قرآن کنونی با نظم و ترتیب معجزه آسای آیات و سوره های آن مورد پذیرش همه مسلمین و فرقه های مختلف آن است. ائمه (ع) در قول و عمل و با نگارش نسخه هایی از آن نظم و ترتیب آیات آن را تأیید کرده اند، بنا بر این دلیل خدشه ناپذیری بنام تواتر از نظم فعلی قرآن حمایت می کند و تمام مسلمانان برای اثبات هر یک از جنبه های قرآنی و عبارات آن راهی بجز تواتر و نقل های یقین آور نمی دانند. از این رو، روایات آحاد جمع قرآن که عموماً دستخوش ضعف سند و



اضطراب متن نیز هستند یارای مقابله با این تواتر مستند را ندارند. همین یک دلیل کافی است تا از اقامه هر دلیل دیگری بر توقیفی بودن ترتیب آیات بی نیاز شده و به بررسی ناتوانی های دلائل طرفداران اجتهادی بودن ترتیب آیات بپردازیم.

2. حکم عقلی

اهمیت و عظمت قرآن، اهتمام فوق العاده پیامبر به حفظ قرآن از تحریف، اهمیت فراوانی که مسلمانان برای قرآن قائل بودند، اجر و ثواب بی پایان قرآن خواندن و... عقلاً اقتضا می کند که قرآن از نخستین روز نزولش در عصر رسول خدا جمع آوری و تدوین شده باشد و هر آیه ای جایگاه خود را از روز نخست یافته باشد از این رو فقیه و قرآن پژوه بزرگی همچون آیت الله خویی معتقد است: هر روایتی که جمع آوری قرآن را به دورانهای بعد از پیامبر مستند می کند به دلیل ناسازگاری با این حقایق مسلم تاریخی غیر قابل قبول می باشند. (خوئی، 1/ 398)

بعلاوه در عصر ختم نبوت و انقطاع وحی، تنها دستاویز محکم بشریت برای یافتن راه سعادت و هدایت، قرآن است و بی شک بسیاری از پیامها و هدایت گری های قرآن در نظم و ترتیب آیات آن نهفته است و اگر این نظم به غیر خدا مستند گردد، از حجیت ساقط گشته و دست جوامع بشری از یافتن راه هدایت کوتاه می گردد. چنین فاجعه ای نه تنها با آیاتی که قرآن را کتاب هدایت می داند در تعارض است بلکه نوعی نقض غرض به حساب آمده و عقلاً با حکمت الهی تعارض دارد.

3. آیات قرآن

دهها آیه قرآن از نزول آن از جانب خداوند و الهی بودن این کتاب سخن گفته است. این آیات حاکی از آن است که تألیف آیات در چارچوب سوره ها همچون الفاظ و معانی آنها از جانب خداوند متعال است، چه اساساً نسبت کتابی به صاحب اثری وقتی درست می نماید که علاوه بر لفظ و معنا، ساختار بخشها و فصول آن



هم از خود او باشد. برخی از این آیات عبارت اند از:

1. « وَ إِنَّكَ لَتَلَقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ (نمل/6)
2. « إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا » (انسان/23)
3. « قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ » (مائده/15)
5. وَ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَ عَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ » (نساء/113)

6. « وَ لَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ » (بقره/89)

در کنار این آیات، آیات دیگری نیز وجود دارد که بیانگر ناتوانی «غیر خدا» از ایجاد نظم و ترتیب جداگانه ای در آیات و سوره ها و بوجود آوردن قرآن دیگری است.

بارزترین و مشهورترین آیات در این زمینه، آیات تحدی است. در آیات تحدی هیچگاه به واژه ها و آیات همآورد طلبی نشده است، بلکه از مخالفان خواسته شده یک سوره (یونس/38) یا ده سوره (هود/12) مانند قرآن بیاورند و برای ساختن چنین سوره ای هرکس (غیر از خدا) را می خواهند فرا بخوانند «وَ اذْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ» (یونس/38) و از همه دانشمندان و سخنوران و شاعران خود کمک بخواهند تا شاید بتوانند سوره ای همانند کوچک ترین سوره قرآن تنظیم نمایند. بدیهی است که قوام سوره به واژه ها، و جملات پراکنده و بی ارتباط آن نیست، نظم و پیوستگی بین آیات و چینش آنان در کنار یکدیگر که به گواهی آیات تحدی از «غیر خدا» ممکن نیست.

در آیات تحدی هیچگاه واژه «مثل» مقید نشده بلکه با عبارات مطلقى همانند «فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ» (طور/34) همآورد طلبی را به همه قلمروهای قرآن کشانده است که بی شک یکی از مهمترین جنبه آن ارتباط مطالب و آیات با یکدیگر است. در کنار آیات تحدی، آیات دیگری نیز وجود دارد که به صراحت توانایی ساختن و بوجود آوردن کتاب دیگری همانند قرآن را از همه آفریده های آسمانی و زمینی حتی از اشرف مخلوقات که وجود مقدس پیامبر اکرم باشد نفی کرده و سخن کسانی را که می گویند «این قرآن را پیامبر ساخته است» نادرست و تهمت

ناروا می خواند و می فرماید:

«أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ» (سجده/3)

و در جای دیگر چنین سخنانی را «ظلم و زور» (فرقان/4) می نامند و سرانجام در آیه 15 سوره مبارکه «یونس» خیال همه را راحت کرده و از پیامبر (ص) می خواهد که به مشرکان اعلام کند که:

«قَالَ الَّذِينَ لَا يُرْجُونَ...إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ» (یونس/15)

«من قدرت تغییر این قرآن و آوردن قرآن دیگری را ندارم و هرچه می گویم از وحی الهی است»

بدین شکل قرآن کریم با عبارات متفاوتی اعلام می کند که چپش اعجازگونه آیات قرآن کریم نه به اجتهاد صحابه و حتی نه بر اساس نظر شخصی پیامبر اکرم (ص)، بلکه با وحی مستقیم الهی سامان یافته است و بر حکمتی عمیق و ارتباطی دقیق استوار است که جز از خداوند حکیم و خبیر از کس دیگری ساخته نیست.

4. سیره پیامبر (ص)

شواهد و قرائن فراوانی نشان می دهد که اکثر سوره های قرآن یکباره نازل شده است. بنابراین همگام با نزول سوره، جایگاه آیات نیز به طور طبیعی مشخص می شد. از ابن عباس نقل است که فرمود:

«پیامبر، پایان سوره قبلی و شروع سوره بعدی را با نزول بسم الله الرحمن

الرحیم در می یافتند.» (واحدی،/17)

غیر از «ترتیب طبیعی» عامل دیگری نیز در نظم بخشیدن به آیات قرآنی دست داشته است و آن تصریح حضرت رسول (ص) دائر بر سازمان یافتن آیه یا آیاتی به ترتیبی بجز «ترتیب طبیعی» آنهاست که طبعاً در موارد اندکی اتفاق افتاده است که در هر مورد نیز روایات مستند و قابل اعتماد وجود دارد. ابن عباس می گوید:

«طی دوران رسالت، سوره های متعددی بر پیغمبر فرود آمد. هر گاه آیاتی از قرآن نازل می گشت، حضرت کاتبان وحی را فرا می خواند و آنان را مأمور می ساخت که آیات را در ضمن سوره های جا دهند که فلان مطلب در آن مذکور

آمده است.» (یعقوبی، 43/2)

پیامبر (ص) این کار را با دقت و وسواس تمام و بر اساس دستورات الهی تا آخرین آیه قرآن ادامه داد و آخرین آیه نازل شده را که « وَ اتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ » (بقره/281) است بنا بر اشاره جبرئیل در سوره «بقره» - که در اوائل هجرت نازل شده بود - و در میان آیات «ریا» و «دین» جای داد. (طبرسی، 676/2)

این روایات به روشنی توقیفی بودن مکان آیات را بیان می کند و به ما کمک می کند تا نظم و ارتباط آیات را با استناد به حکمت الهی و بلاغت قرآنی کشف نموده و آنها را بر اساس یک غرض واحد منظم نماییم.

5. روایات

در کنار آیات و روایاتی که به طور عام و کلی بر توقیفی بودن نظم آیات دلالت می کنند، روایاتی نیز وجود دارد که قرائنی مبنی بر منظم بودن برخی از سوره ها در زمان پیامبر بدست می دهد.

از جمله می توان به احادیثی اشاره کرد که در ضمن آنها پیامبر (ص) از آغاز و انجام سوره نام برده است؛ مثلاً بنا بر روایاتی پیامبر (ص) فرموده است:

«هر کس آخر سوره «حشر» را قرائت کند و در آن شب یا در آن روز بمیرد

گناهانش پوشانده می شود.» (مجلسی، 309/89)

این احادیث نشان می دهد که ساختار کلی سوره ها در زمان نزول معین شده بود.

ج . هدف دار بودن قرآن

سومین پایه هدفمندی سوره ها پذیرش هدفمندی قرآن است. نخستین آیات سوره مبارکه بقره هدف از نزول این کتاب مقدس را «هدایت متقین» اعلام می کند و سپس در دیگر آیات این سوره و سوره های دیگر چگونگی هدایت انسان، عوامل و موانع آن و سایر مباحث مرتبط با آن را به دقت و با موشکافی بسیار بیان می دارد. صراحت گفتاری قرآن در این زمینه جای هیچ گونه شکی برای آشنایان به معارف قرآن باقی نمی گذارد که قرآن کتابی هدفدار و جهت دار است که گام به گام حقیقت جویان را به سرچشمه معنویت و کمال رهنمون می سازد.



قرآن مجموعه ای از کلمات قصار، داستانهای آموزنده و جملات حکمت آمیز نیست که هر یک به مناسبتی بیان شده و در دفتری گردآمده باشند.

قرآن نه تنها هیچ شباهتی به کشکول شیخ بهائی ندارد؛ بلکه از نظر ساختار و نظم مجموعه ای حتی به کتابهای شریفی همچون نهج البلاغه و نهج الفصاحه هم شبیه نیست. هیچ کس نمی تواند قرآن کریم را به بحارالانوار تشبیه کرده و بگوید قرآن نیز همچون این کتاب مجموعه ای پراکنده از سخنان حکمت آمیز و عمیق است که ذیل موضوعات مشخص گنجانده شده است با این تفاوت که قرآن سخن خداوند قادر و حکیم است و بحارالانوار سخنان معصومین(ع).

همه می دانند که قرآن مجموعه واحدی است که همه اجزایش یک هدف و احد را دنبال می کنند و این هدف که همان انسان سازی و هدایتگری است در تک تک حروف و کلمات این کتاب مقدس جاری و ساری است. هدایتگری قرآن در گزینش واژگان، چینش کلمات، جایگاه آیات در سوره ها کاملاً مشهود است و اراده واحد و حکیمانه ای در ساماندهی آنها نقش داشته است. کتابهای علمی و پژوهشی بسیاری توسط ادیبان درباره حکمت به کارگیری یک واژه بجای واژه دیگر در قرآن و یا یک تقدم و تأخر عبارات و واژه ها نگاشته شده است که همگی حاکی از وجود این اراده حکیمانه است.

اگر قرآن دارای یک هدف کلی است هر یک از سوره های قرآن نیز باید بخشی از این هدف را تأمین کنند و رابطه ای معنادار و هماهنگ با هدف کلی قرآن داشته باشند. بدینسان می بینیم که پذیرش هدفمندی قرآن به طور طبیعی ما را به سوی هدفمندی سوره سوق می دهد و این سؤال را در برابر ما قرار می دهد که اگر هدف کلی قرآن هدایت است سوره «بقره» یا «آل عمران» یا «ناس» و... چه بخشی از این هدایتگری را بعهدہ دارند؟ آیا اگر یکی از این سوره ها در قرآن گنجانده نمی شد باز هم هدف نهائی قرآن تأمین می شد و همه ابعاد هدایت بیان می گردید؟ اگر پاسخ منفی به این سؤال داده و اعتقاد داشته باشیم که هر سوره جایگاه ویژه خود را دارد و هیچ چیز جای آن را پر نخواهد کرد آنگاه باید به این سؤال جواب دهیم که هدف ویژه هر سوره چیست و هر سوره در کلیت خود در



صدد بیان چه پیامی است؟ اینجاست که بطور منطقی بحث هدفمندی سوره ها مطرح شده و پاسخ شایسته خود را طلب می کند.

ناگفته نماند که گرچه ممکن است کشف اهداف سوره ها و مرتبط نمودن آن ها با هدف کلی قرآن مشکل بوده و کاوش علمی و تلاش فکری بسیاری را بطلبد و یا مفسران در تعیین غرض سوره به اختلاف افتاده و هر یک عنوانی را برای یک سوره قرار دهند اما همه این امور به صغرای قضیه مربوط می شوند و نمی تواند به کلیت کبری - هدفداری سوره ها - خدشه ای وارد نمایند. بنابراین اگر کسی در صدد انکار هدف مندی سوره ها بر آید در آغاز باید در هدف مندی قرآن تردید کند و آنگاه از پذیرش نظریه «وحدت غرض سوره های قرآن» سر باز زند. طرفداران نظریه نیز ناچارند که قبل از هر چیز به عنوان یک اصل موضوعه هدف مندی قرآن را بپذیرند.

منابع و مأخذ

1. ابن شریف، محمود؛ اليهود فی القرآن، دار المكتبة الهلال، بیروت، 1986 م.
2. ابوالسعود، محمد بن محمد؛ ارشاد العقل السلیم الی مزایا القرآن الکریم «تفسیر ابی السعود»، دار احیاء التراث العربی.
3. آلوسی البغدادی، السید محمد؛ روح المعانی، انتشارات جهان، تهران.
4. ایازی، سید محمد علی؛ چهره پیوسته قرآن، نشر هستی نما، تهران، 1380 ش.
5. -----؛ سیر تطور تفاسیر شیعه، وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، 1373 ش.
6. -----؛ المفسرون منهجم و حیاتهم، وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، 1373 ش.
7. بازرگان، عبدالعلی؛ نظم قرآن، تهران، 1372 ش.
8. البقاعی، ابراهیم بن عمر؛ نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415 هـ.
9. بی آزار شیرازی، عبدالکریم؛ قرآن ناطق، اول، وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، 1376 ش.

10. جوادى آملی، عبدالله؛ هدایت در قرآن، رجاء، تهران، 1367 ش.
11. -----؛ ولایت در قرآن، رجاء، تهران، 1375 ش.
12. حسین، طه؛ آیینہ اسلام، ترجمہ محمد ابراہیم آیتى، چاپ سوم، انتشارات رسالت، قم.
13. خالدی، محمد علی؛ صفوة العرفان فى تفسير القرآن، المطبعة العصرية، صيدا، 1996 م.
14. خامه گر، محمد؛ ساختار هندسى سوره های قرآن، اول، امیر کبیر، تهران، 1382 ش.
15. خوئی، ابوالقاسم؛ البیان فى علوم القرآن، ترجمہ نجمی و هریسی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، 1375 ش.
16. رضوان، عمر بن ابراہیم؛ آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیرہ، دار طیبہ، ریاض، 1413ھ.
17. سیوطی، جلال الدین؛ الاتقان فى علوم القرآن، تحقیق ابوالفضل ابراہیم، منشورات الرضى.
18. شحاتہ، عبدالله محمد؛ در آمدی بر تحقیق در اهداف و مقاصد سوره ها، ترجمہ محمد باقر حجتی، نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1369 ش.
19. خطیب شریبى، محد بن احمد؛ تفسير القرآن الکریم «تفسیر السراج المنیر»، دار الکتب العلمیة، 1425ھ.
20. الشیرازى، صدرالدین؛ تفسير القرآن الکریم، انتشارات بیدار، 1366 ش.
21. طبرسى، فضل بن الحسن؛ مجمع البیان، الطبعة الاولى، دار المعرفة، بیروت، 1406ھ.
22. طنطاوى جوهرى، محمد؛ الجواهر فى تفسير القرآن، دار الفكر، بیروت.
23. فرید وجدی، محمد؛ المصحف المفسر، دارالمعارف، مصر، 1986 م.
24. فقهی زاده، عبدالهادی؛ پژوهشى در نظم قرآن، جهاد دانشگاهی، تهران، 1374 ش.
25. فیضی، ابوالفیض بن مبارک؛ سواطع الالهام، مرتضى آیت الله زاده شیرازى، تهران، 1375 ش.
26. نظام الاعرج، حسن بن محمد؛ غرائب القرآن و رغائب الفرقان، دار الکتب العلمیة، 1416ھ.
27. الکاشانى، ملا فتح الله؛ تفسير المنهج الصادقین فى الزام المخالفین، اسلامية.

28. مجل سی، محمد باقر؛ بحار الانوار، الوفاء، بیروت، 1404 هـ.
29. مدنی، محمد محمد؛ المجتمع الاسلامی كما تنظمه سورة النساء، مصر، 1991م.
30. مصباح یزدی، محمد تقی؛ جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، 1368 ش.
31. معرفت، محمد هادی؛ التمهید، چاپ اول، علوم قرآنی، قم، 1378 ش.
32. مودودی، ابوالاعلی؛ تفهیم القرآن، ترجمه: حکیم الله متین، دار العروبة للدعوة الاسلامیة، لاهور، 1989 م.
33. واحدی، نیشابوری؛ اسباب النزول، دار الکتب العلمیة، 1982م.
34. الیعقوبی، احمد بن اسحاق؛ تاریخ الیعقوبی، دار احیاء التراث، بیروت.
35. The quran interpreted, by Arthur j.Arberry (Qum, Center Of Islamic Studies Introduction

